

محسن رضایی: اگر آمریکا دوباره به ایران حمله کند، دارایی‌هایش مانند سامانه‌های کلیدی داده و حسگرهای هوش مصنوعی هدف قرار می‌گیرند

هزینه‌های هنگفت جنگ جدید برای آمریکا

صفحه ۲

دوشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۵ | اول جمادی‌اول ۱۴۴۸ | ۱۲ اکتبر ۲۰۲۴ | سال هجدهم | شماره ۴۷۳۲ | ۴ صفحه | ۱۰ هزار تومان

تیتترهای امروز



محاسبات اشتباه بن سلمان و اتکای بیش از حد به آمریکا، عربستان را در بن بست جنگ یمن قرار داده است

سعودی مات

۱۲ کشته و بیش از ۳۰۰ زخمی در فرودگاه ریاض

صفحه ۳

افزایش شمار مجازات‌شناورهای غیرمجاز در تنگه هرمز

تنبیه روزانه نفتکش‌ها

صفحه ۲

شوک انرژی چگونه‌بدهی غول‌های هوش مصنوعی و ریسک سقوط بورس آمریکا را افزایش می‌دهد؟

شلیک هرمز به قلب وال‌استریت

هزینه جدید جنگ علیه ایران

جهش کرایه روزانه نفتکش‌ها به ۱.۶ میلیون دلار

فرمانروای آب‌ها

صفحه ۴

تقابل تمدن‌ها

نگاه

رضا فیروزی

در فضای پرهیاهوی آتن، جایی که ستون‌های مرمری پارتون همچنان شاهد گذشت قرن‌ها تلاطم‌های قدرت هستند، مارکو روییو، وزیر خارجه آمریکا تلاش کرد با جادوی کلمات، پیوندی میان شکوه باستان و معادلات مدرن غرب آسیا برقرار کند اما در حلی که او از نبردهای خونین میان ایران و یونان در دوران باستان سخن می‌گفت، چیزی فراتر از یک یادآوری تاریخی در جریان بود؛ تلاشی ظریف و در عین حال آشکار برای بازنویسی مفهوم جنگ روییو با بهره‌گیری از بازنمایی‌های تاریخی، سعی داشت نبرد آمریکا علیه ایران را نه به عنوان یک تقابل ژئوپلیتیک معاصر، بلکه به عنوان یک استمرار حتمی و گریزناپذیر از کشمکش‌های دیرینه میان شرق و غرب جلوه دهد. او با استفاده از این امتداد تاریخی، خواستار آن بود تقابل امروز رانه در کانون سیاست‌گذاری‌های واشنگتن، بلکه در رگ‌های تاریخ و در جریانی از «تقابل ابدی» میان تمدن‌ها جست‌وجو کنیم.

این روایت که در ظاهر به احترام میراث یونان می‌پردازد، در باطن خود بسا یک چالش بزرگ رویه‌رو است. آیا می‌توان تلاقی منافع قدرت‌های بزرگ در قرن بیست‌ویکم را در قالب یک درام تراژیک باستانی روایت کرد؟ منتقدان معتقدند هر گونه گفت‌وگوی دیپلماتیک یا یافتن راهکارهای صلح‌آمیز می‌پنبد.

او با پیوند دادن نبردهای باستانی به منازعات مدرن، سعی دارد بار سنگین و بحث‌برانگیز تصمیمات نظامی آمریکا را بر دوش «تقدیر تاریخی» و «تقابل تمدن‌ها» بگذارد. در این نگاه، جنگ دیگر نه یک انتخاب سیاسی یا یک ضرورت دیپلماتیک، بلکه نتیجه اجتناب‌ناپذیر یک پیوند تاریخی است که از هزاران سال پیش آغاز شده، این استراتژی کلامی، می‌کوشد نوعی مشروعیت به مداخلات نظامی ببخشد، چرا که وقتی جنگ را به عنوان بخشی از یک چرخه تاریخی بی‌انتهای تقابل ایران و یونان معرفی می‌کنید، در واقع راه را بر هر گونه گفت‌وگوی دیپلماتیک یا یافتن راهکارهای صلح‌آمیز می‌بندید.

بسیاری از تحلیلگران در واکنش به این سخنرانی، به آنچه «مانتیک‌سازی جنگ» می‌نامند، اشاره کردند. روییو با استفاده از نمادهای باستانی، از خشم و قدرت تمدن‌ها سخن می‌گوید اما در این میان، پیامدهای انسانی جنگ‌های معاصر در میان لایه‌های غبارآلود تاریخ گم می‌شود. او با تبدیل ایران به یک «آنتاگونیست تاریخی»، آن را به موجودی انتزاعی در تقابل با غرب تبدیل می‌کند.

ادامه در صفحه ۲

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



صفحه ۲

۱۱۹۲ سال و ۵۲ روز گذشت |

افزایش پیاپی تعداد قربانیان نظامی آمریکا در جنگ علیه ایران
آمار جدید پنتاگون، ۲۱ نظامی آمریکایی کشته و ۸۶۵ نفر زخمی شده‌اند

پنتاگون

هنوز دارد می‌شمارد!

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4732 | MON.OCT.12, 2026 | ISSN:2008-2886



گزارش «وطن امروز» از اظهارات اخیر مقامات ارشد آمریکا و رژیم صهیونیستی درباره جنگ تمدنی و باستانی علیه ایران

دشمنی تاریخی

تمدنی روییو و زبان مذهبی برخی مقام‌های نظامی و متحدان سیاسی آنها، از غلیظ‌تر شدن سطحی خاص از گفتار سیاسی علیه ایران حکایت دارد؛ سطحی که در آن، جنگ از منازع‌ای بر سر منافع و امنیت به تقابلی بر سر تاریخ، هویت و سرنوشت تمدن‌ها ارتقا می‌یابد.

■ **اهداف و پیامدهای یک پروپاگاندای تمدنی**

این تغییر زبان را نباید صرفاً افراط در سخنرانی یا استفاده تبلیغاتی از استعاره‌های تاریخی دانست. برای فهم آن، می‌توان به نظریه مشهور ساموئل هانتینگتون، اندیشمند علوم سیاسی درباره «برخورد تمدن‌ها» بازگشت. هانتینگتون پس از پایان جنگ سرد استدلال کرد در نظم جدید جهانی، هویت‌های تمدنی و فرهنگی می‌توانند بیش از گذشته به محور رقابت و منازعه تبدیل شوند. این نظریه تبلیغاتی، زیربنای پروپاگاندای مورد نیاز برای جنایات بعد را فراهم کرد و اکنون غرب در همان هو و سوداست. در گفتار جدید آمریکایی و اسرائیلی، نکته مهم آن است که ایران در جایگاه دشمن تمدنی قرار می‌گیرد اما این تمدن‌گرایی لزوماً بر «تمدن اسلامی» متمرکز نیست. روییو از سرچشمه‌های یونانی و مسیحی تمدن غرب سخن می‌گوید و سپس حکومت ایران را در نقطه مقابل آن قرار می‌دهد. نتایج‌هاو نبره روایت تهدید از تاریخ ایران باستان و داستان پوریم بهره می‌گیرد. حاصل این صورت‌بندی می‌تواند شکل‌گیری تصویری از ایران به عنوان یک دشمن تاریخی و تمدنی باشد. یکی از اهداف این صورت‌بندی تمدنی، فراهم کردن زمینه ذهنی برای عادی‌سازی اقدامات بسیار خشن است. وقتی یک حکومت رقیب به عنوان تهدیدی علیه موجودیت یک ملت یا مانع بقای یک تمدن معرفی شود، منطق متعارف محدود کردن جنگ و تناسب در استفاده از زور به حاشیه می‌رود. در چنین فضایی، تخریب زیرساخت‌ها، گسترش دامنه حملات و حتی تلفات گسترده غیرنظامیان ممکن است به عنوان هزینه ضروری شکست دادن یک تهدید وجودی توجیه

بوده است. این زبان در ماه اکتبر به شکلی متفاوت در سخنان مارکو روییو نیز ظاهر شد. وزیر خارجه آمریکا اکتبر در آتن در تپه پنیکس، جایی که شهروندان آتن باستان گرد هم می‌آمدند، سخنرانی خود را با حمله ارتش خشایارشا به یونان و آتش زدن آتن در سال ۴۸۰ پیش از میلاد آغاز کرد. او از آن واقعه به عنوان بخشی از داستان شکل‌گیری تمدن غرب یاد کرد و سپس به ایران امروز رسید؛ حکومتی که او آن را با «ملایان رادیکال» توصیف کرد. روییو در پایان از ضرورت دفاع از تمدن غرب با همان شور و اشتیاق نیاکانش سخن گفت.

در آمریکا، این ادبیات تنها به روایت تاریخی محدود نمانده است؛ پیت هگست، وزیر جنگ در سخنان و مراسم مذهبی مرتبط با جنگ، از زبان کتاب مقدس، دعا برای نیروهای نظامی و عباراتی درباره دشمنانی که سزاورا رحمت نیستند، استفاده کرده است. همزمان بنیاد آزادی مذهبی نظامیان آمریکا در مارس ۲۰۲۴ گزارش داد بیش از ۲۰۰ شکایت از نظامیان دریافت کرده که مدعی بودند برخی فرماندهان، جنگ با ایران را بخشی از نقشه الهی و زمینه‌ساز آرماگدون معرفی کرده‌اند. اصل موضوع به اندازه‌ای جدی بود که جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور در گفت‌وگویی با «جو روگن» در ژوئیه به آن واکنش نشان داد و گفت اگر در چنین جلس‌های حضور داشت، فرمانده را به عقب‌نشینی از این ادعاها فرامی‌خواند. ونس خود نیز در مصاحبه‌ای جداگانه در آگوست درباره احتمال قرار داشتن جهان ایران باستان قرار داد که در آن، هامن در پی نابودی یهودیان بود و این توطئه ناکام ماند. به این ترتیب، جنگ جاری در روایت نتانیاهو صرفاً مقابله با برنامه هسته‌ای یا توان موشکی ایران نبود، بلکه به تکرار تاریخی یک تهدید علیه موجودیت یهودیان شباهت پیدا می‌کرد. در اظهارات بعد نیز او از «دوگانه شر» و خطر نابودی اسرائیل سخن گفت و تأکید کرد اقدام نظامی برای جلوگیری از به خطر افتادن نسل‌های آینده ضروری

تمدن از سوی رئیس‌جمهور آمریکا، روایت تاریخی و

شود. این به معنای آن نیست که هر کاربرد زبان تمدنی الزاماً به جنایت منجر می‌شود اما تاریخ نشان داده سلب مشروعیت اخلاقی از طرف مقابل و معرفی او به عنوان دشمنی اساساً ناسازگار با زندگی و تمدن خودی، می‌تواند موانع روانی و سیاسی خشونت گسترده را کاهش دهد. وقتی مساله نه مهار یک دولت، بلکه دفع تهدید علیه سرنوشت تاریخی یک تمدن معرفی شود، دیگر محدودیت‌های جنگ نیز به آسانی قابل بازتعریف خواهند بود.

هدف دیگر، ایجاد ائتلاف است. اگر ایران به عنوان دشمن مشترک تمدن غرب معرفی شود، جنگ دیگر مساله‌ای میان آمریکا و ایران نخواهد بود، بلکه به آزمونی برای وفاداری کشورهای اروپا و دیگر شرکای واشنگتن تبدیل می‌شود. در چنین روایتی، مخالفت با جنگ می‌تواند به‌اشتباه نشانه ضعف، بی‌تفاوتی در برابر تهدید یا حتی عدول از ارزش‌های مشترک معرفی شود اما راه علاج آن پاسخ‌های کلیشه‌ای و هلاک‌کننده‌ای چون «تنش‌زدایی»، «اعتمادسازی» یا امنیتی‌زدایی نیست، باید صورت‌تسحاب حرکت اشتباه را پیش‌پیش برای دشمن فرستاد. لازم است هزینه‌های واقعی دشمن قلمداد کردن ایران، از پیش روشن شود؛ هزینه‌های اقتصادی و انرژی، بی‌ثباتی منطقه، تبعات حقوقی و انسانی جنگ و دشواری مهار بحرانی که ممکن است از کنترل همه طرف‌ها خارج شود. اروپا باید بداند همراهی با یک روایت پلاستیکی – تمدنی علیه ایران، صرفاً یک بازی نمادین با ژست اخلاقی و فاتحانه نیست؛ انتخابی سیاسی با پیامدهای ملموس برای امنیت و منافع خود آن کشورهاست. سرانجام، به‌کارگیری این زبان برای آمریکا و متحدانش کارکردی درونی نیز دارد و آن ساختن تصویری مصلحانه از خود است. دولت‌های متجاوز برای توجیه جنگ به چیزی بیش از قدرت نظامی نیاز دارند؛ آنها به روایتی نیاز دارند که اقدام‌شان را درست، ضروری و حتی اخلاقی جلوه دهد. هنگامی

درباره ابعاد سخنرانی باستان‌گرایانه و ضدایرانی وزیر خارجه آمریکا در آتن

باروت تاریخ در خزانه جنگ

پارسی قرار گرفت که زمانی به یونان حمله کرد و آتن را به آتش کشید.

این همان نقطه‌ای است که منتقدان، آن را تلاشی برای ساختن امتداد تاریخی میان جنگ‌های یونان و ایران باستان و جنگ امروز آمریکا علیه ایران دانسته‌اند. روییو هیچ‌گاه به‌صراحت نگفت آمریکا وارث آتن است اما سخنرانی، چنین تداعی‌ای را تقریباً اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. او از حمله ارتش ایران باستان به یونان، ویرانی آتن و مقاومت یونانیان گفت و اندکی بعد به ایران امروز رسید. در شرایطی که واشنگتن درگیر جنگی پرهزینه با تهران است، چنین همجواری نمی‌تواند صرفاً ادبی یا اتفاقی تلقی شود. منتقدان سخنرانی نیز همین نکته را برجسته کردند و گفتند روییو تاریخ را به صورت یک نمایش ساده درمی‌آورد؛ یونانیان آزاد در برابر پارسیان

دموکراسی، افلاطون و ارسطو بنیان‌گذاران فلسفه غرب و تاریخ یونان میراثی نباشته‌شد که به‌زعم او آمریکایی‌ها – اروپایی‌ها را به یک خانواده تمدنی مشترک پیوند می‌دهد. او یادآوری کرد سیاست فقط مجموعه‌ای از منافع کوتاهمدت نیست و جوامع برای دفاع از خود نیازمند تصویری از هویت، هدف و ارزش‌های مشترکند. مشکل اما از جایی آغاز شد که روییو این میراث را نه به عنوان تاریخ پیچیده و چندلایه، بلکه به عنوان شجره‌نامه‌ای ساده برای قدرت معاصر آمریکا روایت کرد. در داستان او، یونان سرچشمه آزادی و فردگرایی بود، در حالی که دشمنانش، به‌ویژه ایران در سوی دیگر ایستاده بودند: در قلمرو استبداد، تعصب و «فرهنگ مرگ» او سپس به حاکمان امروز ایران ناخت این حمله سیاسی، در کنار ارجاع‌های تاریخی سخنرانی، معنایی فراتر یافت: ایران معاصر به طور ضمنی در جایگاه همان امپراتوری

این بخش از سخنرانی، همان‌طور که برخی ناظران اشاره کرده‌اند، بیش از آنکه درس تاریخ باشد، بازسازی رمانتیک گذشته‌ای امپراتوری گراست.

از این منظر، انتخاب پنیکس نیز اهمیت داشت. این تپه محل گردهمایی شهروندان آتن بود؛ جایی که درباره جنگ‌های واقعی تصمیم گرفته می‌شد. روییو پنیکس را به‌صحنه‌ای برای ادعای برتری تمدنی آمریکا تبدیل کرد. نقطه ضعف اصلی سخنرانی، نه‌استفاده از تاریخ، بلکه استفاده ابزاری از آن بود. تاریخ می‌تواند به سیاستمداران کمک کند محدودیت‌های قدرت را بفهمند اما روییو از آن برای طبعی جلوه دادن قدرت استفاده کرد. او به مخاطبانش نگفت دولت‌شهرهای یونانی چگونه بر اثر جنگ‌های داخلی تضعیف شدند یا چگونه تمدن‌هایی که خود را برتری می‌دانند در نهایت قربانی غرورشان می‌شوند.

ادامه در صفحه ۲